

لحظاتی بانشاط با آقاسید یوسف علوی

هنوز هم ۱۸ ساله ام

اولین مصاحبه ام در آسایشگاه امام خمینی (ره) مشهد با حاج آقا سید یوسف علوی بود او با وجود ۶۷ سال سن و جانبازی از سه عضو اما وجودش مملو از نشاط است. می گوید من هنوز هم ۱۸ ساله ام و سلول های قلبم در ۱۸ سالگی مانده است. مصاحبه چند بار به دلیل خنده ها و شوخی هایش قطع می شد اما همه زمان با او بودن برایمان دلچسب و جذاب بود. او آخر مصاحبه هم ما را به گوشه ای از محوطه آسایشگاه به چای آتشی دعوت کرد...

زحمت هایی که در نگهداری از من متحمل شد الان دیسک کمر دارد و با عصا راه می رود. خانواده های جانبازان هم چون فرشته های نجات هستند در روی زمین. اگر آن ها نبودند ما هم الان نبودیم. اگر پرستار و کسانی که از بیمار نگهداری می کنند خودشان خوب نباشند بیمار هم به هیچ عنوان خوب نمی شود. من از خدا می خواهم که تا ظهور امام زمان (عج) که ان شاء... چشم من به جمال آقا امام زمان (عج) روشن می شود من و همسر من زنده باشیم و سایه هر دوی من روی سر هم مستدام باشد. (مصاحبه که به این جا می رسد عکاس من از راه می رسد و حاج آقا علوی باب صحبت و شوخی و خنده را باز می کند برای چند دقیقه ای هر سه با صدای بلند می خندیم. خدا را شکر عجب روحیه ای دارد این مرد).

همان دو سه سال اول جانبازی که شرایط جدیدی برایم به وجود آمده بود به من سخت گذشت ولی در این سی سال کم تر به این فکر کرده ام که چرا این طور شده ام. همواره سعی کرده ام خدا را شاکر باشم به هر حال ما بنده های او هستیم و او برای هر بنده اش به نوعی صلاح و سرانجامی را می خواهد. پس چرا ما باید غصه بخوریم که چرا این جور و آن جور شده است. او پروردگار ما و ما هم بنده اویم و او خواسته است که من روی ویلچر بنشینم و او صلاح من را این طور خواسته است.

حاج آقا علوی تا الان خداوند ۶۷ سال به شما عمر داده است. دوست دارم بدانم آرزوی تان چیست؟

(بدون این که مکثی بکند) تنها آرزویم این است که چشم های گنهکارم به جمال مولایم آقا امام زمان (عج) منور شود و پس از آن چشم هایم را ببندم و به آخرت بروم. ما هر چه داریم از ائمه اطهار (ع) داریم. از روزی که خودم را شناختم پیرو ائمه اطهار بودم ما به دلیل سیادت مان شاخ و برگ های ساقه و تنه ای هستیم که آن ساقه خود وجود شریف پیامبر اکرم (ص) هستند لذا دیدن چهره منور آقایمان امام زمان (عج) برای ما واجب است و دعا می کنیم که ان شاء... از سربازان باوفای ایشان باشیم. **آقای علوی حرفی مانده که بخواهید بگویید.**

می خواهم به مردم و دولتمردان بگویم که قدر و منزلت خون شهیدان را بدانیم که فردا در برابرشان شرمند نشویم. من خودم را می گویم که باید به گونه ای عمل کنم که فردا اگر ملحق شدم به همزم شهیدم و از من پرسید پس از من چه کردی در مقابل او شرمند نشوم. و ان شاء... این طور باشد که به آن همزم شهیدم بگویم که من با همین موقعیت جانبازی تا حد توانم از اسلام و انقلاب دفاع کردم.

امیدوارم که ان شاء... خداوند از همه ما قبول کند...

برای اولین سوال علاقه مندم بدانم سن تان چقدر است.

سن واقعی ام ۶۷ سال است اما از نظر قلبی ۱۸ ساله ام. چون خون های درونم جوان است. من که به عنوان یک جانباز ۷۰ درصد الان دارم با شما صحبت می کنم ۳۰ سال سرباز وطنم بودم. الان هم که قطع نخاع هستم و روی ویلچر نشسته ام همچنان همان سرباز خاک وطنم هستم. **قطع نخاع گردنی هستید یا کمری؟**

به لطف خدا از سه عضو جانباز هستم علاوه بر قطع نخاع، دست چپم هم ترکش خورده و از کار افتاده است. در واقع ۴ سانتهی متر از این دستم با ترکش رفته است.

کجا جانباز شدید؟

۶۱/۱/۲ در عملیات فتح المبین در منطقه شوش دانیال در دشت عباس درجه جانبازی را عیدی گرفتم.

جمعی کدام یگان بودید؟

من یکی از سربازان کوچک امام زمان (عج) و از لشکر ۷۷ پیروز ثامن الائمه (ع) خراسان بودم.

از آن لحظه جانبازی بگویید. آن لحظات را به خاطر دارید؟

پس از یک تک تهاجمی عراق در منطقه دشت عباس، عملیات فتح المبین با رمز یا زهر (س) شروع شد. ما هم از سایت ۴ شوش دانیال پیشروی کردیم که متأسفانه به منطقه آلوده به مین برخورد کردیم. ۲ تانک ما روی مین ها رفتند و منفجر شدند.

در این شرایط بچه ها باید عقب نشینی می کردند من به همراه دو سرباز کنار یک خودروی جیپ و در حال راهنمایی تانک ها بودم که در همان گیرودار مورد اصابت مستقیم گلوله تانک قرار گرفتیم جیپ تکه تکه شد و سوخت دو سربازی که همراهم بودند شهید شدند و من هم آن جا به درجه جانبازی نائل آمدم. پس از آن کسانی که آن جا بودند تعریف می کردند پس از گلوله اول چند گلوله دیگر هم به همان جا که ما بودیم اصابت کرد و حفره بزرگی را ایجاد کرده بود. خلاصه این که آن جا ۴۱ ترکش نصیب شد. پس از آن هفده بار عمل شدم و الان هم اگرچه از نظر جسمی ناتوان هستم اما صادقانه می گویم که قلبم برای اسلام می تپد من همان سرباز سی سال قبل هستم و اگر الان هم خدای ناکرده مسئله و تهدیدی برای مملکت پیش بیاید در رزم خاکی که نمی توانم کاری انجام دهم اما در دریا و به عنوان راننده قایق های جنگی می توانم از مملکت و اسلام دفاع کنم.

چند فرزند دارید؟

۴ پسر و یک دختر. الحمدلله فرزندانم بسیار بسیار خوب هستند با وجود گرفتاری هایی که دارند به من هم خیلی لطف دارند و به ویژه همسر من که عاشقانه از من نگهداری می کند و این سال ها به دلیل